

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال چهارم، پاییز ۱۳۸۲، شماره مسلسل ۱۵، ص ۱۲۷-۱۵۶

**منصب چراغچی باشی در عتبات عالیات****امیر هوشنگ بختیاری\***

پادشاهان مختلف ایران پس از اسلام، با توجه به ارادت و علاقه‌ی شدید مردم ایران به امامان شیعه و حرم‌های شریف ایشان در عتبات عالیات و بنا به برخی اعتقادات و ملاحظات عقیدتی و سیاسی، توجه ویژه‌ای به آبادی، توسعه و تکریم این اماکن و شهرهای مقدس مبذول داشتند، از جمله اقدامات آن‌ها اهدای چهل چراغ‌ها، قندیل‌ها و شمعدان‌های گرانبها بود. برای روشن نگاه داشتن و حفاظت یک یا چند چهل چراغ و شمعدان، یک متولی از طرف دولت ایران تعیین می‌شد که به وی چراغچی می‌گفتند.

در این مقاله پس از مقدمه‌ای کوتاه، با استفاده از کتاب‌های مربوط و اسناد وزارت خارجه، اقدامات پادشاهان ایران نسبت به عتبات عالیات، منصب چراغچی باشی و وظایف و مسائل مرتبط بدان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**واژه‌های کلیدی:** امامان شیعه، عتبات عالیات، چهل چراغ، چراغچی باشی.

## مقدمه

مراقد امامان معصوم و اولیای شیعه واقع در خاک عراق، پیوسته مورد عنایت و توجه خاص شیعیان ایران قرار داشته‌اند. این ارادت به حدی بود که پادشاهان و دولت‌مردان دوره‌های مختلف ایران را به این امر واقف نموده بود که قدر و منزلت نجف و کربلا نزد شیعیان ایران، از قدر و منزلت مکه‌ی مکرمه و مدینه‌ی منوره کم‌تر نیست؛ از این‌رو شاهان با روش‌های گوناگون می‌کوشیدند، علاقه و توجه خود را بدین مکان‌ها نشان دهند. به همین منظور، در جهت تکریم و توسعه‌ی مراقد مطهر، اقداماتی صورت می‌گرفت و با گذشت زمان و با پی‌گیری سلاطین بعدی کامل‌تر و بیش‌تر می‌شد. از جمله‌ی این اقدامات می‌توان به موارد زیر به صورت یک روند تاریخی اشاره کرد:

۱. بنای قبه و ساختمان و مرتفع‌تر و وسیع‌تر کردن قبه و عمارت قبلی؛
۲. احداث قنوات و نهرهای طولانی به منظور رساندن آب از رودخانه‌ها به حرم‌ها، برای رفاه اهالی و زائران شهرهای مقدس؛
۳. تجدید بنای اماکن مقدس در مواقع آسیب دیدگی در اثر حوادثی چون آب‌گرفتگی، آتش‌سوزی و ویرانی به دست مردم یا سلاطین عثمانی؛
۴. رسیدگی به امور زائران و فراهم آوردن لوازم رفاه ایشان با اقداماتی چون بنای مسافرخانه و کاروان‌سرا؛
۵. وسیع‌تر نمودن حرم‌ها و صحن‌ها با خرید و اضافه نمودن خانه‌های مجاور.
۶. زینت و زیباسازی حرم‌ها، به وسیله‌ی اهدای اشیا و خزاین گران‌بهای هم‌چون جواهرات، فرش‌های نفیس ایرانی، پرده‌های زربفت، چهل‌چراغ، لوستر، شمعدان، قندیل، شمشیر مرصع و...؛
۷. تعمیر و اصلاح خرابی‌ها در طول چندین سده؛

۸. ساخت گنبد، ضریح، گلدسته، مناره، درب و مطلا نمودن آنها؛
  ۹. کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ و معرق‌کاری صحن‌ها و حرم؛
  ۱۰. تعویض و ترمیم ضریح‌ها؛
  ۱۱. احداث یا نوسازی حصار شهرهای مقدس؛
  ۱۲. احداث حجره، ایوان، غرفه و... در گرداگرد صحن‌ها؛
  ۱۳. پرداخت تمام یا قسمتی از هزینه‌های احداث مدارس، حوزه‌های علمیه و کتاب‌خانه‌های عالی؛
  ۱۴. گماردن مأموران ویژه در عتبات به منظور رسیدگی به امور حرم‌ها، زایران، علما و رعایای ایرانی مقیم و مجاور شهرهای مقدس؛
  ۱۵. گماردن افرادی با عناوین خادم، متولی، کلیددار، کفش‌دار، چراغچی، زیارت‌نامه‌خوان، دربان، فراش آستانه، مؤذن، قاری و... و پرداخت مقرری و دستمزد آنها؛
  ۱۶. پرداخت تمامی هزینه‌های برگزاری مجالس روضه‌خوانی و تعزیه‌داری دولتی در ایام خاص؛
  ۱۷. سفر به خاک عثمانی و زیارت و سرکشی عتبات با وجود دشمنی و خصومت دایم بین پادشاهان ایران و سلاطین عثمانی و یا اعزام نماینده‌ی مخصوص از جانب خود.<sup>۱</sup>
- پادشاهان ایران با انگیزه‌های متعددی به این قبیل کارها می‌پرداختند از جمله اعتقادات شخصی، ادای نذر، جلب قلوب و کسب حمایت مردم ایران، نفوذ بین مردم و دولت عثمانی و زیر نظر داشتن ایشان، حمایت از ایرانیان مقیم و مجاور خاک عثمانی، حفاظت و نگاه‌داری حرم‌های شریف در مقابل دست‌اندازی‌های مردم و دولت سنی‌مذهب عثمانی.
- برخی از پادشاهان و دولت‌مردان ایرانی که خدمات فراوانی به عتبات عالیات نمودند، عبارت‌اند از:

۱. سلطان محمد بن زید، ملقب به داعی کبیر که در دیلم و طبرستان، واقع در ناحیه‌ی شمال ایران امارت داشت (سال ۲۷۰).<sup>۲</sup>
  ۲. ابوالهیجاء عبدالله بن حمدان بن حمدان تغلبی (مقتول به سال ۳۱۷)<sup>۳</sup> و ناصر الدوله‌ی حمدانی (۳۳۳).<sup>۴</sup>
  ۳. پادشاهان آل بویه، به ویژه: معز الدوله (۳۳۶)،<sup>۵</sup> عضدالدوله (۳۶۹)،<sup>۶</sup> شرف الدوله (۳۷۷).<sup>۷</sup>
  ۴. سلطان ملک‌شاه سلجوقی به سال ۴۷۹ و پسرش سلطان سنجر و سلطان برکیارق (۴۹۵).<sup>۸</sup>
  ۵. صاحب دیوان عطاء الملک، عطاء الدین ابن بهاء الدین محمد جوینی (۶۷۲).<sup>۹</sup>
  ۶. بیشتر شاهان صفوی، به ویژه شاه اسماعیل (۹۱۴)،<sup>۱۰</sup> شاه طهماسب (۹۸۰)،<sup>۱۱</sup> شاه عباس (۱۰۳۲)<sup>۱۲</sup> و شاه صفی (۱۰۴۲).<sup>۱۳</sup>
  ۷. برخی از شاهان افشار، به ویژه نادر شاه (۱۱۵۶).<sup>۱۴</sup>
  ۸. شاهان قاجار، به ویژه آغا محمدخان (۱۲۰۴)،<sup>۱۵</sup> فتح علی شاه قاجار به مباشرت دو صدر اعظمش: حاجی محمدحسین نظام الدوله اصفهانی (۲۲ و ۱۲۱۹)<sup>۱۶</sup> و میرزا محمد شفیع اصفهانی (۱۲۳۱)،<sup>۱۷</sup> ناصر الدین شاه طی پنجاه سال سلطنت بر ایران، به ویژه به سال‌های ۸۳ و ۱۲۸۲ و سال‌های پس از سفرش به عتبات عالیات به سال ۱۲۸۷.<sup>۱۸</sup>
- البته این قبیل کارها، اختصاص به افراد نام برده و شاهان و دولت‌مردان نداشت و تعداد بسیار زیادی از مؤمنان، در طول سالیان دراز، خدمات شایانی به عتبات عالیات نمودند، ولی چون دارای قدرت و معروفیتی مانند پادشاهان نبودند (جز مواردی اندک)، در کتاب‌ها نامی از ایشان برده نشده است.

### اهدای چهل چراغ، لوستر و شمعدان

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، چهل چراغ و سایر وسایل روشن‌کننده، مثل لوستر، شمعدان و قندیل، یک نوع از لوازمی بود که توسط شاهان و دولتمندان به عتبات عالیات تقدیم می‌شد. این‌گونه وسایل که گاهی به جنس طلا و نقره بوده و با سنگ‌های قیمتی تزیین می‌شدند، برای روشنایی و زیبایی بر سقف حرم‌ها و صحن‌ها و بالای ضریح‌ها آویخته می‌شدند. ناصرالدین شاه قاجار که پنجاه سال تمام بر ایران حکمرانی نمود و بیش از سایر شاهان قبل و بعد از خود، فرصت و انگیزه‌ی لازم را برای رسیدگی به امور عتبات عالیات داشت، چهل چراغ‌ها و شمعدان‌های مرصع زیادی به عتبات اهدا نمود. اسناد زیادی در مورد نصب چهل چراغ اهدایی وی در حرم‌های واقع در خاک عراق عرب وجود دارد، ولی مشخص نیست که نخستین چهل چراغ اهدایی وی در چه تاریخی و در کدام حرم نصب شده بود.<sup>۱۹</sup>

چهل چراغ‌ها بر اساس نذر و نیت شخص شاه و یا به درخواست مأموران دولت ایران در عتبات عالیات و به دستور شاه تهیه می‌شد. بدین ترتیب که پس از صدور فرمان شاه، وزیر امور خارجه یا صدر اعظم دستور ساخت آن توسط هنرمندان اصفهانی و شیرازی (و گاهی روس) را صادر می‌کرد؛ لذا برات هزینه‌ی ساخت توسط مستوفی دیوان صادر می‌شد و به امضای شاه می‌رسید. چهل چراغ ساخته شده به تاجری معتبر و یا یک مأمور ویژه‌ی دولت سپرده می‌شد تا به محل مورد نظر در خاک عثمانی حمل شود و با حضور عده‌ای، از جمله: کارپرداز یا نماینده‌ی دولت ایران مقیم شهر مورد نظر، مأمور دولت ایران در عتبات عالیات، متولیان و خادمان حرم و تعدادی از علما و شیعیان ایرانی مقیم و مجاور عتبات، طی مراسم ویژه‌ای در محل مناسبی نصب می‌شد.

برای مثال، سید حسین، کلیددار روضه‌ی ابوالفضل العباس، در سال ۱۲۸۱ قمری به وزارت امور خارجه‌ی ایران چنین نوشت:

در این اوقات از جانب رفیع جوانب، جناب مستطاب فخر الحاج حاجی محمدحسین تبریزی وارد ارض اقدس گردید و چهل چراغ نورافزای، که زیب و زینت شعار اسلام است، از سرکار اعلیٰ حضرت قدر قدرت پادشاه عادل با دل خلدالله ملکه به اعزاز و احترام وارد آورد؛ الحق نهایت لازم بود. لازمه‌ی ورود به جا آورده شد و رواق عرش طباق که محل نزول ملائکه‌ی کروبین است، محل ممتاز معلق شد.<sup>۲۰</sup>

علیرضا عضدالملک که در اواخر سال ۱۲۸۳ قمری از طرف ناصرالدین شاه مأمور شد خشت‌های طلای گنبد‌های مطهر امام علی‌النقی علیه السلام و امام حسن عسگری علیه السلام را به عتبات برده و به شیخ عبدالحسین تهرانی (شیخ العراقین) تحویل دهد،<sup>۲۱</sup> به هنگام زیارت مرقد مطهر امام حسین علیه السلام در کربلای معلی، ضمن ارائه‌ی شرح کاملی راجع به ویژگی‌های حرم مطهر و تزیینات آن، به چهل چراغ اهدایی ناصرالدین شاه که «پایین در حرم مطهر و در رواق مبارک آویخته» اشاره نمود و نوشت:

چهل چراغی به آن نظم و صفاکم تر یافت می‌شود. البته در هیچ یک از مشاهد مقدسه چهل چراغی به آن آراستگی افروخته نمی‌شود و لیکن این یک ناتمامی دارد که این چهل چراغ در وسط رواق مبارک بی‌ممد است. هرگاه امر و مقرر فرمایند که [چون] از هر طرف سه طاق است، هر طاقی یک لنتیر<sup>۲۲</sup> بیابویزند و هر شب روشن کنند، موجب ازدیاد شکوه و روشنایی رواق مطهر است. این فقره کمال لزوم دارد.<sup>۲۳</sup>

عضدالملک در قسمت دیگری از سفرنامه‌اش اسباب زینتی حرم امیرالمؤمنین علی علیه السلام را این‌گونه برمی‌شمارد:

چهل چراغ همایونی در طرف ایوان طلا درب حرم عرش قوام آویخته و هر شب تا به صبح برای دعای سلامتی وجود مسعود شاهنشاهی روحنا فداه دهان و زبان گشوده دارند. دو مشکوة<sup>۲۴</sup> طلای خسروی در پیش روی مبارک قامت افراشته ... جقه پیشکشی

قبله‌ی عالم در میان جای دو انگشت مبارک آویخته... .

اسباب زینتی که ایام شرف یابی این غلام، سوای پیشکشی و ندور هما یونی، در حرم مبارک موجود بود به موجب تفضیل [زیر] است:

قندیل طلای بزرگ و کوچک مرصع، بیست و دو قطعه؛ قبه‌ی بالای ضریح مبارک، طلا و مرصع، هشت قطعه؛ قبه‌ی مرصع بزرگ طرف قبله‌ی ضریح، علاوه بر قبه‌های دیگر، دو قطعه؛ شمعدان پیشکشی سلطان روم تخمیناً یک ذرع ارتفاع دارد...؛ قندیل نقره زیاد است، اما یکی که مابین درهای حرم مطهر است زیاده از یک ذرع طول و قطر دارد.<sup>۲۵</sup>

چنان‌که گفته شد، اهدای چنین هدایایی به عتبات عالیات سابقه‌ای بس طولانی دارد و در کتاب‌ها و اسناد، موارد زیادی از این دست به چشم می‌خورد. در این بین از پادشاهان صفوی، به ویژه شاه اسماعیل، بیش از دیگران یاد شده است.

«شاه اسماعیل صفوی روز بیست و پنجم جمادی سنه ۹۱۴ بغداد را فتح کرد و بدین سان در آن تاریخ، در حالی که بر عراق مستولی شده بود، قدم در شهر مرکزی منطقه نهاد و متعاقب آن، روز بعد عازم زیارت آستان مقدس حسین علیه السلام گردید و شبی را در آن درگاه والا معتکف ماند. در همین زیارت بود که شهریار بزرگ ایران، ضریحی سیمین و مذهب بر مرقه مبارک قرار داد و دوازده قندیل زرین برای تأمین روشنایی حرم شریف به تقدیم رسانید. این نخستین بار بود که به قصد تزیین، عنصر طلا به عتبات عالیات وارد شد و در رأس سایر عناصری که بدین منظور فراهم آمده بود، قرار گرفت. باری همین شهریار نام‌دار بود که رواق اقدس حسین علیه السلام را با قالی‌های بسیار زیبا و گران‌بها مفروش ساخت و صنعتگران هنرمند را از اطراف و اکناف ممالک تابعه احضار کرد و فرمان داد که شش صندوق بدیع بسازند و چون به دستور او این همه ساخته و

پرداخته شد، بر مقابر مقدس ائمه‌ی دین در عراق قرار گرفت.<sup>۲۶</sup>

ناصرالدین شاه نیز در سفرنامه‌اش به این گونه هدایای شاهان صفوی اشاره کرده است.<sup>۲۷</sup> وی در این سفرنامه<sup>۲۸</sup> از چهل چراغ‌های تقدیمی خود که در حرم‌های مختلف عتبات آویخته و روشن بودند نیز نام برده است.<sup>۲۹</sup>

### منصب چراغچی باشی

چهل چراغ‌ها و شمعدان‌های هدایی با شمع روشن می‌شدند؛ لذا لازم بود شخصی اول هر شب، شمع در آنها قرار داده و روشن نماید و تا نیمه‌های شب روشن نگاه دارد؛ هم‌چنین از چهل چراغ محافظت و نگهداری و آن را پاکیزه نماید؛ از این رو، از طرف دولت ایران یک نفر مأمور انجام این وظیفه می‌شد. در اسناد موجود از چنین شخصی با نام چراغچی، چراغچی باشی، چهل چراغچی و متولی چهل چراغ یاد شده است.<sup>۳۰</sup> این شخص یا از طرف دولت ایران انتخاب و به عتبات گسیل می‌شد و یا نماینده‌ی دولت ایران در عتبات عالیات چنین شخصی را برای تولیت یک یا چند چراغ می‌گماشت. متولی چهل چراغ، چهل چراغ تحت تولیت خود را با شمعی که از شمعان می‌خرید روشن نگاه می‌داشت<sup>۳۱</sup> و در ازای این خدمت، سالانه مبلغ مشخصی را از دولت ایران دریافت می‌کرد.

به عنوان نمونه و برای درک بهتر موضوع، قسمتی از نامه‌ی کارپرداز اول ایران در بغداد که در تاریخ ۲۸ ربیع الاول ۱۲۸۵ به وزارت امور خارجه ارسال شد، آورده می‌شود:

در فقره‌ی یک زوج شمعدان نقره‌ی وقفی اعلی حضرت شاهنشاهی - روحنا فداه - به روضه‌ی مبارک حضرت کاظمین - علیهما السلام - مرقوم و مقرر فرموده بودید که رسیدگی و معلوم نمایم که آمده و در حرم روشن می‌کنند یا نه و مباشر آن کیست و از چه وقت شب تا کی روشن می‌کنند [؟] هنوز شمعدان‌ها به این جا نرسیده و از قرار دارالخلافه



و اولیای دولت علیه اطلاع ندارم. در بقعتین علیتین حضرت کاظمین - علیهما السلام - چهار شمع به تولیت حاجی شیخ محمدهادی مشهور به چراغچی از عهد خاقان مغفور - طاب‌ثراه - برقرار است که همه شب از اول غروب تا هنگام بستن در حرم مبارک می‌سوزد و یکصد تومان وجه آنها از کرمانشاهان می‌رسد. چون شمعدان آنها مس است و شایسته‌ی سرکار اعلی حضرت نیست که دو پشت از سلطنت سنیه - نورالله مرقدهما - بگذرد و به اسم مبارک سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی - روحنا فداه - روشن شود، وقت شرفیابی جناب جلالت‌آب میرزا هدایت - دام مجده - اطلاع از این فقره داده شد و تعهد شمعدان نقره نمود. بعد که به دربار همایون رسید به کلیددار نوشته بود که قرار شمعدان نقره به امر قَدَر قَدَر داده شد.<sup>۳۲</sup>

گاهی اوقات متولیان چراغ‌ها، اقدام به اضافه نمودن چراغ و قندیل به حرم محل مأموریتشان می‌نمودند؛ مثلاً چراغچی صحن حضرت علی ع در نامه‌ای که با شهادت و مهر تعداد زیادی از علمای نجف تأیید شده بود، به وزارت خارجه نوشت: چون سال‌هاست که پنجاه عدد قنادیل از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت قدر قدرت شهریاری پادشاه جمجاه ناصرالدین شاه - مدظله العالی - به مباشرت و تولیت ابوی اکرام عالیجاه قدس القاب، قدوسی انتساب، اشرف الحاج و العمار، حاجی ملایوسف طهرانی حایری و اقلّ عباد غلامحسین در صحن مطهر منور جناب خامس آل عبا - علیه الاف التحیة و الثناء - در طاق نماهای دور تا دور یک در میان و در کفش‌داری و ایوان مقدس و کشیک‌خانه‌ها و درب‌های صحن مطهر افروخته می‌شود و ابوی حقیر به واسطه‌ی تکمیل نمودن قنادیل که در تمام طاق‌نماها افروخته می‌شود به دربار همایون رفته و تصدیق جمیع علمای نجف و کربلا و کاظمین ع و کلیددارها را بر قرار نمودن قنادیل‌های مذکوره در کمال صفا و ضیا و روشنی همراه برده و آنها را با عریضه به خاک پای مبارک اعلی حضرت شاهنشاه تقدیم نموده و تمنای چهل عدد

قنادیل به جهت رفع نقیصه و تکمیل آنها نموده علی الحساب چون مخلی زیاده بر این در نظر نبود وجه بیست عدد را مرحمت فرموده و در کتابچه هم قید فرموده و جناب والد - دام عمره عالی - به حقیر اخبار فرمودند و حقیر هم بیست عدد را بر قنادیل سابق افزوده؛ لهذا هر که اطلاع و استحضار به هم رسانیده است که حال مقدار هفتاد و پنج عدد قنادیل در مواضع مخصوصه مرقومه در کمال صفا و ضیا و بها روشن می‌شود و به هیچ وجه من الوجوه نقص ندارد و باعث انتفاع قاطبه‌ی زایران و مجاورین ارض اقدس شده و مایه‌ی دعاگویی دوام دولت ابدمة قاهره گردیده مستدعی آنکه اطلاع خود را طیباً به مرضات در فوق این ورقه مرقوم و به خاتم شریف خود ممه‌ور فرمایند که عندالله و عند الرسول ضایع نخواهند شد.<sup>۳۳</sup>

پس از نصب یک چهل چراغ، مدعیان زیادی برای تصدی تولیت آن پیدا می‌شدند. اقامت در حرم یک امام معصوم یا یکی از اولیای شیعه و روشن نگاه داشتن حرم و خدمت به زایران این حرم‌ها، آرزوی هر شیعه‌ی ارادتمندی بود. از طرفی، مقام و منزلت یک متولی چهل چراغ عتبات عالیات، نزد هم‌شهری‌ها و هم‌ولایتی‌های آن شخص بسیار زیاد بود. این انگیزه‌های درونی در کنار امید دریافت مبلغ قابل توجهی پول از دولت ایران به عنوان صرف یا وجه روشنایی، عده‌ی زیادی را ترغیب می‌کرد تا بکوشند، تولیت چهل چراغ را عهده‌دار شوند. از این‌رو با نصب یک چهل چراغ جدید، عده‌ای که برخی از آنان، یک فرمان یا سفارش‌نامه از یک شخص صاحب نفوذ و معتبر دولتی در دست داشتند، به محل نصب چهل چراغ مراجعه می‌نمودند و مدعی تولیت آن شده، حتی در راه کسب این منصب، با سایر مدعیان درگیر می‌شدند.

متولیان چهل چراغ‌های قدیمی، کلیدداران، کفش‌داران و سایر خدمه‌ی حرم‌ها، پیوسته یک پای ثابت ادعای تولیت بودند و تا حد امکان می‌کوشیدند، تولیت چهل چراغ جدید را به دست آورند و از ورود اشخاص تازه وارد به محل خدمتشان جلوگیری نمایند؛ به طور مثال،

کلیددار حرم حضرت ابوالفضل، در نامه‌ای به وزارت خارجه دلیل اقدامش در جلوگیری از ورود مدعی تولیت چهل چراغ جدید را به حرم، چنین بیان داشت:

سید صالح از طبقه‌ی خدام که در میان اهل خدمه بدنام و بی قدر و اعتبار است، فرمان آورده که روشنایی چهل چراغ در عهده‌ی او باشد. از آن جایی که اشخاص بی اعتبار را در دربان مقدس اشرف ناس ابوالفضل العباس علیه السلام به امر التزامی مدخلیت نمی دهیم، که بناء حادثه اتفاق شود، که مایه‌ی بی اعتباری باشد، سرکار هم هرگاه کسی در این مقام‌ها آمد، فحص احوال او فرمایید، اگر قابل است، البته بجاست، و آلا از راه دیگر مورد التفات فرمایند. داعی مصلحت ندانسته، امر روشنایی آن را به دست بنده زاده آقا سید مصطفی واگذارده که خود نیز مواظب خدمت او باشیم.<sup>۳۴</sup>

با این همه رقابت بر سر به دست آوردن تولیت یک چهل چراغ بسیار شدید بود و هر شخص مدعی تا جایی که می توانست، می کوشید با مراجعه به اشخاص بانفوذ، تعداد بیش تری سفارش نامه برای خود جمع آورد. از آن جا که اختیار انتخاب متولی یک چهل چراغ با وزیر امور خارجه، صدر اعظم و نماینده‌ی دولت ایران در عتبات عالیات بود، سفارش نامه‌ها خطاب به آنان تنظیم می شد. در این گونه نامه‌ها، نویسنده پس از عرض درود و سلام و عرض ادب بسیار، با نسبت دادن فضایل و ویژگی‌های ممتاز برای شخص معرفی شونده، درخواست می نمود که تولیت چهل چراغ مورد نظر، به سفارش شونده سپرده شود.<sup>۳۵</sup>

برخی از این گونه سفارش نامه‌ها نیز برای فرزندان و وابستگان متولیان فوت شده تنظیم می شد؛ به طور مثال، در یکی از این گونه اسناد، شخص نویسنده پس از حمد و ستایش بسیار در حق صدر اعظم، به وی چنین نوشته است:

... بعدها مصدع آن که جناب مستطاب فضایل نصاب، آقا شیخ غلامحسین مؤتمن

الشریعه، خلف مرحمت پناه حاجی ملایوسف طهرانی که متولی چهل چراغ دولتی صحن

مقدس و اولاد مُسَلِّم و مباشر مجلس روضه‌خوانی اعلیٰ حضرت همایون - خلدالله ملکه - بوده، در این اوقات به رحمت ایزدی واصل گردیده، چنان‌که از قدیم‌الایام رسم دنیای کافه بزرگان و قاطبه‌ی رعیت پروران بوده که در صورت فوت و موت احدی از خدمت‌گزاران محض اشفاق بر باقی ماندگان و تربیت آنان، جا و مکان او را بر اولاد او داشته تا مابیه‌ی جبر کسر خاطر<sup>۳۶</sup> آنها و موجب ترغیب دیگران بوده باشد، فعلاً فرزند ارجمند آن مرحوم، جناب مستطاب آقا شیخ مهدی - سلمه‌الله تعالی - چنان‌که تلگرافاً عرض شده فی الحقیقه و الواقع در نهایت قابل و کامل و کاردان و ممتاز از امثال و افرایق است و در خور رحمت و شایان خدمت... و علاوه بر آن جمعی عیال و اطفال مقروض پریشان‌حال از آن مرحوم باقی است. چنان‌که رأی [ناخوانا] تعلق بگیرد، مقرر فرماید که خدمت به عهده‌ی کفالت و کفایت جناب مومی‌الیه محول و به صدور فرمان مهر لمعان به اسم او، حاسدین و مقرضین را از آرزوی این خدمت محجوب و ممنوع فرماید. بسیار به جا و محل و موجب دعا‌گویی و امیدواری کافه‌ی دعا‌گویان و داعی و... خواهد بود.<sup>۳۷</sup>

در نمونه‌ای دیگر، فاضل شربانی،<sup>۳۸</sup> مأمور دولت ایران در عتبات عالیات، طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه، از حاجی سید سعید خادم و سرکشیک آستانه‌ی مبارکه‌ی امام حسین علیه السلام به عنوان شخصی دارای عزت و احترام یاد کرده و لیاقت و استحقاق وی را در تولیت لنتی‌های دولتی بعد از مرحوم آقا سید محمد متوفی تصدیق کرده و درخواست نموده است که فرمان تولیت لنتی‌های مذکور برای نامبرده صادر شود.<sup>۳۹</sup> هم‌چنین در نامه‌ی دیگری با اشاره به فوت حاجی سید علی کلیددار و متولی چهل چراغ شاهی کربلای معلی، درخواست کرده که کلیدداری و تولیت چهل چراغ مذکور به حاجی سید عبدالحسین، فرزند مرحوم نامبرده سپرده شود.<sup>۴۰</sup>

اسناد زیادی در دست است که نشان می‌دهد افراد برای به‌دست آوردن تولیت یک چهل‌چراغ، حتی به نزاع با هم نیز پرداخته‌اند و هر که قدرت، نفوذ و واسطه‌ی قوی‌تری

داشته، می‌توانسته تولید یک چراغ را از دیگری بگیرد و به خود اختصاص دهد. گاهی نیز افراد با توسل به رشوه، در این راه موفق می‌شدند. به هر حال پس از بروز چنین حوادثی، نامه‌های زیادی از طرف خود یا اطرافیان به وزارت خارجه یا صدارت عظمی صادر می‌شد و این موضوع گاهی ابعاد وسیع‌تری نیز پیدا می‌کرد، چنان‌که سفارت ایران در بغداد و علمای ایرانی مقیم نجف و کربلا را نیز درگیر می‌نمود؛ برای مثال، سفارت ایران در بغداد در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی ۱۲۸۲ طی نامه‌ای به وزارت خارجه نوشت:

در این جا مذکور می‌شود چهل چراغ اهدایی دولت علیه را که به تولیت میرزا کوچک به بقعتین علیتین حضرت عسکرین - علیهما آبائهما و ابناءئهما السلام - فرستاده‌اند به دیگری داده‌اند و این معنی باعث پریشانی حواس میرزا کوچک شده است. اگر خدمت و صداقت او را تصدیق فرمایید همه کس تصدیق خواهند کرد که با [ناخوانا] تنخواه در کمال خوبی به انجام می‌رساند و با قرض و قول می‌گذراند. علاوه بر آن می‌باید مأمور این خدمت کسی باشد که مثل او از همه چیز گذشته و از هر کاری دست کشیده خانه‌ی خود را به آن جا برده شغل خود را منحصر به آن نماید و مشکل است دیگری مانند او باشد...<sup>۴۱</sup>

چهل چراغچی‌ها در عتبات عالیات بی‌خبر از همه جا، شمع از شماعان و تاجران می‌خریدند و چراغ‌ها را روشن نگاه می‌داشتند، در حالی که در این سوی مرزها در دارالخلافه‌ی تهران، افرادی طماع و فرصت‌طلب، با بدگویی از خادمان و چراغچی‌های حرم‌ها نزد افراد با نفوذ و گاهی با دادن رشوه، تولید چراغی را از شخص چراغچی می‌گرفتند و فرمانی به نام خود یا شخص دیگری اخذ می‌نمودند و گاهی تولید اخذ شده را به یک نفر اجاره داده و او را از جانب خود و برای به دست گرفتن تولید چراغ به عتبات می‌فرستادند. در این گونه موارد که اتفاقاً تعدادش نیز کم نبود، شخص چراغچی به اقدامات زیادی دست می‌زد

تا از حق خویش دفاع کند. از جمله‌ی این اقدامات تهیه‌ی استشهادنامه از علما و افراد ذی‌شأن برای اثبات حقانیت خویش و بی‌اعتباری ادعای مدعیان بود. این استشهاد نامه‌ها را عده‌ی زیادی تأیید و مهر می‌کردند؛ به طور نمونه در یکی از این گونه اسناد چنین آمده است:

استشهاد و استعلام می‌شود، از جناب آقای کلیددار حضرت عباس - علیه السلام - و سید خدام آستانه‌ی مبارکه در خصوص چهل چراغی که از مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه تولیتش با داعی سیدهاشم ولد مرحوم سیدحسین فتح‌الله است از زمانی که از طهران آورده‌ام تا الی حال که سنه‌ی هزار و سیصد و هجده است بلا انقطاع هر شب چهل چراغ مذکور را روشن نموده‌ام، هر کدام اطلاع دارند شهادت خود را در این ورقه مرقوم و به خاتم شریف خود مزین فرمایند. سیدهاشم ولد مرحوم سیدحسین فتح‌الله.<sup>۴۲</sup>

شاهدان نیز به تصدیق موضوع می‌پرداختند مثلاً سید مرتضی کلیددار در ذیل استشهادنامه‌ی بالا نوشته است:

بلی چهل چراغ اعلی حضرت شاهنشاه خلدالله ملکه روشن و برقرار بوده است. به تاریخ دهم شهر جمادی الثانی سنه هزار و سیصد و هجده. الداعی حاجی سید مرتضی کلیددار.<sup>۴۳</sup>

زیر تصدیق توسط شاهد مهر می‌شد. برخی از این گونه شهادت‌نامه‌ها، توسط ده‌ها نفر از علما و شیعیان مقیم عتبات تصدیق و مهر می‌شدند.

افراد در راه به دست آوردن تولیت برخی از چهل چراغ‌ها حتی پای صاحب‌منصبان و والیان عثمانی را نیز به میان می‌کشیدند و با تحریک آنان، کار را برای خود و سایر ایرانیان مقیم عراق عرب دشوار می‌ساختند. در یکی از اسناد موجود که در آن به این امر اشاره شده است، می‌خوانیم:

... عیب این کار در حقیقت از طرف والی پاشا نیست، بلکه کلیددارهای اماکن متبرکه برای جلب نفع خودشان این فقرات را به ذهن والی پاشا می دهند که نذورات و سایر واردات، انحصار به خودشان داشته باشد و هم چنین چهل چراغ های اهدایی همایونی انحصار به آنها داشته، منافعی که علاوه بر موجب هست کلیتاً عاید آنها گردد. این ماده را مدتی است من ملتفت شده ام که اهالی تبعه‌ی عراق عرب دوست پول اهالی ایران و دشمن نفوذ قدرت آنها می باشند، چنانچه همین فقره‌ی شمع و مؤذن و غیره را از قرار تحریرات میرزا خان ابتدا شیخ طالب به ذهن والی پاشا داد و اسباب این فتنه شد. از قراری که معلوم می شود، خود ما هم اسباب ترویج خیالات آنها می گردیم، زیرا که در همان مراسله‌ی شما اطلاع می دهید که اولیای دولت علیه تولیت چهل چراغ کاظمین علیهم السلام را از آقا محمد ابراهیم گرفته به شیخ عیسی برادر شیخ طالب مرحمت فرموده اند. حالا از شما انصاف می خواهم چرا و به چه سبب سایر کلیدداران نیز همین شیوه‌ی شیخ طالب را پیش نگیرند. مومی الیه که این فتنه را کرد چه ضرر دید تا سایرین احتراز نمایند...<sup>۴۴</sup>

البته همه‌ی چراغچی‌ها مظلوم نبودند و حقشان پایمال نمی شد. برخی از ایشان پس از سال‌ها اقامت در یک حرم، صاحب نفوذ و قدرت فراوان می شدند و در محل مأموریتشان حکمرانی می کردند، به گونه‌ای که حتی زور سفارت ایران در بغداد نیز بدانها نمی رسید. از جمله‌ی این اشخاص می توان از سیدرضا نجفی، کلیددار نجف اشرف در سال ۱۲۷۷ قمری نام برد. کارپرداز اول ایران در بغداد در سال ۱۲۷۷ طی نامه‌ای به وزارت خارجه از رفتار سیدرضا شکایت نموده و درباره‌ی اعمال و رفتار وی چنین نوشت: سیدرضا نجفی کلیددار نجف اشرف که البته مکرر اطوار و رفتار ناپسندیده‌ی او نسبت به زوار مجاور ایرانی استخفاف شأن نسبت به مأمورین دولت علیه‌ی ایران سابقاً به واسطه‌ی تحریرات مقرب الخاقان دبیر مهمام به عرض بندگان خداوندگاری - دام جلاله - رسیده است که در حق آقا محمد ابراهیم

ارباب که به موجب فرمان قضا جریان اعلی حضرت شاهنشاهی - روحنا فداه - در جرگ خدام حضرت ولایت مآب - علیه الصلوة و السلام - فراشباشی است و تولیت چند پارچه فرش و چهل چراغ و پاره‌ی اسباب وقفی دولتی با اوست، چگونه سلوک کرد و او را از حرم مطهر بیرون کرد و آنچه اسباب وقفی دولتی در دست محمد ابراهیم بود، گرفت، حجره‌ای که در صحن مقدس نجف داشت از او گرفت، هر چه مرحوم میرزا ابراهیم خان به سیدرضای مزبور اصرار کرد و به نوشتجات اظهار نمود که موقوفات دولتی ایران را که تولیتش مخصوص آقا محمد ابراهیم است به او ادا نماید مفید نیفتاد که سهل است، همه را فحش و بدگفت، تا آن که حاجی محمدعلی نایب این معنی را به او اظهار کرده در مجلس، سیدرضا به حاجی محمدعلی عصا کشید و فحش و هرزه گفت...»<sup>۴۵</sup>.

تعدّد اسناد مربوط به درگیری افراد بر سر به دست آوردن منصب چراغچی باشی، این سؤال را به ذهن می‌آورد که مگر چراغچیان در قبال خدمت مذکور چقدر از دولت عواید می‌گرفتند که به چنین کارهایی دست می‌زدند؟

### وجه روشنایی

از زمانی که یک چهل چراغ در حریمی آویخته می‌شد و به وسیله‌ی متولی آن روشن می‌گردید، وجهی از طرف دولت ایران به صورت سالیانه به عنوان دستمزد و هزینه‌ی شمع مصرف شده در چهل چراغ برای پرداخت به متولی اختصاص می‌یافت که به آن، وجه یا صرف روشنایی می‌گفتند. روال معمول پرداخت آن بدین صورت بود که پس از تعیین مبلغی به عنوان وجه روشنایی یک چهل چراغ، وزارت خارجه از وزارت خزانه درخواست می‌کرد که مبلغ مذکور را کارسازی نموده و به وزیر بقایا بپردازد، تا به صورت برات تجاری نزد نماینده‌ی دولت ایران در عتبات عالیات فرستاده شود تا به چراغچی پرداخت شود.<sup>۴۶</sup> راه دیگر پرداخت وجوه



روشنایی عتبات، که بیش تر در زمان حکومت مظفرالدین شاه اعمال می شد، بدین گونه بود که حکام ولایاتی هم چون گیلان، کرمانشاهان، اصفهان، یزد و... ملزم می شدند که وجوه روشنایی عتبات را از محل مالیات سالیانه‌ی محل حکومت خود بپردازند. در این روش، مباشران حکومت وجوهی را که به خرج مالیات یک ولایت نوشته می شد به وزارت خارجه تسلیم می کردند و وزارت خارجه آن را به عتبات عالیات می فرستاد و به چراغچیان می رساند.<sup>۴۷</sup> ولی موضوع به همین سادگی نبود و گاهی متولیان چهل چراغها چند سال وجه روشنایی چهل چراغ تحت تولیتشان را دریافت نمی کردند و به حالت استیصال و پریشانی می افتادند؛<sup>۴۸</sup> زیرا از یک طرف تمامی موجودی خود را برای خرید شمع و سوزاندن آن در چهل چراغ صرف می نمودند و به امید دریافت وجه در آخر سال، مبالغ زیادی نیز قرض و برای مصارف روزانه‌ی خود و خرید شمع، هزینه می کردند. حال آن که گاهی چند سال می گذشت و از وجه روشنایی خبری نمی شد. در چنین وضعیتی چراغچی بیچاره، مدام به نماینده‌ی دولت ایران در عتبات یا کارپردازی ایران در بغداد مراجعه یا مکاتبه می کرد و از نرسیدن وجه و وضعیت بد خویش شکوه می کرد. از سوی دیگر علی رغم ترس از دادن بهانه به دست رقبا و بدخواهان و از دست دادن تولیت چهل چراغ، به ناچار چهل چراغ را خاموش نگاه می داشت. با توجه به محتویات اسناد موجود، مهم ترین علل نرسیدن وجه روشنایی را می توان به قرار زیر ذکر کرد:

۱. گاهی وضعیت مالی دولت مرکزی به قدری بد بود که ناچار به اخذ وام از دول خارجه و از جمله انگلیس و دادن امتیازات فراوان به دولت های خارجی، به ویژه انگلیس و روس می شد. در چنین وضعیتی طبیعی بود که پرداخت بسیاری از هزینه ها و از جمله هزینه های مربوط به عتبات عالیات به تأخیر بیفتد. در این گونه موارد، چند سال وجه روشنایی به عتبات فرستاده نمی شد و اگر هم پس از چند سال نامه نگاری صاحبان حق و مأموران دولت ایران در

عتبات، سرانجام وجهی پرداخت می‌شد، میزان آن بسیار کم بود؛ به طور مثال وقتی پس از دو سه سال، مبلغ حدود دو هزار تومان به صورت برات به فاضل شرایبانی رسید، وی طی نامه‌ای به وزارت خارجه، بدین امر اعتراض کرد و در قسمتی از نامه‌اش نوشت:

در خصوص وجه روشنایی، برات دو هزار و کسری لفاً واصل و ملاحظه شد. جای امتنان است اگر تمام بود ولی اسباب مزید ابتلا برای حقیر است؛ زیرا اگر این وجه دو ساله به ارباب حقوق قسمت شود، تومانی دو سه قران بیش تر نخواهد رسید و البته هیچ‌کدام راضی نخواهند شد. هذہ السنہ سیچقان ٹیل این سال سیم است که وجه روشنایی نرسیده؛ حال دو هزار تومان را احقر چگونه می‌توانم به حضرات داد. امکان ندارد. سه سال قبل ظاهراً تخاقوی ٹیل چهار هزار تومان یا بیش تر یک ساله به حضرات به موجب فرد مرسوله از طهران پول داده شده است. اینک دو ساله دو هزار تومان چه صورت دارد و قوه‌ی احقر نیست حضرات را راضی کنم و اگر بعضی را بدهم و بعضی را وعده‌ی وصول باقی تنخواه بدهم، ابداً هیچ‌کدام قانع و دست بردار نخواهد شد و افتضاح بیش تر خواهد شد.<sup>۴۹</sup>

۲. حکام ایالات مختلف ایران سالانه مبلغ قابل توجهی را به عنوان مالیات ایالت تحت حکمرانی خود به خزانه‌ی دولت مرکزی واریز می‌نمودند، گاهی دولت مرکزی به حکام ولایاتی چون گیلان، اصفهان، کرمانشاهان و... دستور می‌داد که مبلغ مشخصی را از محل مالیات ولایت خویش به امر پرداخت وجوه روشنایی عتبات اختصاص دهند و آن مبلغ را به وزارت امور خارجه بپردازند تا به عتبات فرستاده شود؛<sup>۵۰</sup> به طور مثال، نصرالله مشیرالدوله در تاریخ ۱۴ جمادی الاول ۱۳۱۸ به اقبال‌الدوله حاکم کرمانشاهان تلگرافی بدین مضمون ارسال نمود:

هزار و نهصد و سه تومان و دو هزار دینار از بابت صرف روشنایی عتبات به خرج

کتابچه‌ی کرمانشاهان منظور شده است. این وجه را به اشخاصی که متصدی روشنایی هستند ایصال فرموده‌اید یا خیر؟ اگر ایصال فرموده‌اید، قبوض آنها را به وزارت خارجه ارسال، و الا وجه مزبور را حسب الامر به وزارت خارجه ارسال فرمایید که به صاحبانش عاید گردد.<sup>۵۱</sup>

بیش تر حکام ایالات از پرداخت به موقع مبلغ مذکور خودداری می‌کردند و لازم بود مکاتبات فراوانی بین چراغچیان،<sup>۵۲</sup> سرپرست عتبات،<sup>۵۳</sup> وزارت خارجه<sup>۵۴</sup> و حکومت‌ها انجام شود. چنان‌که وزیر امور خارجه برای مشیرالسلطنه، وزیر خزانه، نوشت:

پاکت جناب مستطاب عالی به موکب همایونی رسیده است. در باب روشنایی عتبات آنچه را که حواله به مالیات عربستان و بروجرد فرموده‌اند، فقط حواله کافی نیست. توجهی در وصول آن خواهید فرمود که زودتر به جناب مستطاب وزیر بقایا دام اقباله برسد و سریعاً ارسال شود. جناب مستطاب عالی نمی‌دانید که با هر چاپار از [جناب] علما و مباشرین چهل چراغ‌ها چه کاغذها می‌رسد و در ایصال این وجه چه تأکیدات می‌نمایند. بنده در این مدت همه، به این چاپار و چاپار دیگر وعده داده‌ام. دیگر راه عذر و دفع الوقت بر بنده مسدود شده است.<sup>۵۵</sup>

خودداری حکام از پرداخت به موقع وجوه روشنایی علل متعددی داشته که از جمله‌ی آنها می‌توان به بروز اختلافات مالی بین حکام ایالات با حکومت مرکزی و دیگران اشاره کرد. به طور مثال بروز اختلاف مالی بین سعد السلطنه و عمید السلطنه، حکام وقت گیلان، موجب شده بود که وجه روشنایی چهل چراغ‌های دولتی و وجه تعزیه‌داری دولتی کربلا که به خرج مالیات گیلان نوشته شده بود، سه سال معوق بماند و چراغچیان بیچاره حقوق خویش را چند سال دریافت نداشتند.<sup>۵۶</sup>

۳. برخی اشخاص با نفوذ که موفق به کسب امتیاز تولید یک چهل چراغ می‌شدند، این

امتیاز را به افراد دیگر اجاره می‌دادند، بدین گونه که شخصی را به جای خود به تولیت چهل چراغ گمارده و وجه روشنایی را خود در تهران دریافت می‌کردند و بعد مقدار کمی از وجه دریافتی را به مستأجر می‌پرداختند. در این گونه موارد، گاهی مستأجر مدت‌ها هیچ مبلغی بابت خدمت خود و هزینه‌ی خرید شمع و روشن نگاه‌داشتن چهل چراغ دریافت نمی‌کرد. نامه‌ی محمد شرایبانی به وزارت خارجه موضوع را گویاتر بیان می‌دارد:

... وجه روشنایی چراغ را در طهران بگیرند و چراغ دولت در روضات مطهره خاموش بماند یا مستأجر بیچاره یک سال از کیسه‌ی خود چراغ روشن نماید و آخر سال معلوم شود که متولی پول آن را در طهران پیش‌خورده است یا حواله به گیلان و کرمانشاهان و آذربایجان برده است و حضرات متولیان به هر وسیله تحصیل کرده و خورده، از چراغش نه اسمی در روضات هست و نه رسمی... پنج هزار تومان و کسری وجه چراغات عتبات عالیات است؛ در صورتی که دو ساله و نیم، چهار هزار تومان و کسری نزد ما بیاید، باقی حواله به ولایات یا بروات صادره در خود طهران باشد، ما چه مواظبت در چراغ‌ها و چه سخت‌گیری با متولین داشته باشیم. باری سال انقضا یافته، حضرات وجه ششماهه از بابت هذه السنه سیچقان‌ئیل طلب دارند و مطالبه می‌کنند. عجالتاً جناب اجل عالی در خیال این شش ماهه باشید و تنخواه آن را برسانید، داده شود و برای سال نو ترتیبی داده شود که همه‌ی چراغ‌ها روشن باشد و متولین نتوانند تقلب بکنند. آن هم موقوف است که تمام وجه روشنایی به عربستان بیاید و صورت تمام چراغ‌ها فرستاده شود. آن وقت هر کس چراغ خود را به قاعده روشن می‌کند وجه آن را هم می‌گیرد و اگر تقلب کند، ما هم فوراً از او گرفته به شخص امین می‌دهیم.<sup>۵۷</sup>

۴. تقلب افراد و معاملات پنهان موجود، یکی دیگر از دلایل نرسیدن وجه روشنایی به چراغچیان بود. اسناد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد با نفوذ و طماع در تهران با

توطئه‌چینی و تقلب حقوق چراغچیان بی‌خبر از همه‌جا را پایمال کرده، به خود اختصاص می‌دادند. بدین ترتیب که با حيله و رشوه فرمان تولیت چهل چراغی را اخذ و آن را بدون این که چهل چراغی در کار باشد، به دیگران اجاره می‌دادند، یا این که چراغی را تهیه و به مستأجر می‌سپردند تا در حرمی یا صحنی در عتبات بیاویزد و روشن کند. از سوی دیگر با دسیسه و دروغ، فرمان تولیت چهل چراغ‌های موجود در عتبات را باطل و فرمان جدید به اسم خود و برای چهل چراغ خود دریافت می‌داشتند. در این گونه موارد، متولی چهل چراغ قبلی و مستأجر آن، بدون اطلاع از دسیسه‌ی مذکور، چند سال به امید دریافت وجه روشنایی و از ترس از دست دادن تولیت چراغ در صورت خاموش شدن آن، چراغ را با هزینه‌ی خود و با قرض و قول روشن نگاه می‌داشتند. به عنوان شاهد ادعا قسمتی از نامه‌ی اعتماد السادات و آقاسیدحسن، متولی و مستأجر دو دستگاه چهل چراغ حرم‌های امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع)، خطاب به وزارت خارجه آورده می‌شود:

... از سند ماضیه تخاقوی ئیل ۱۳۱۵ تاکنون که دو سال است، وجه دو ساله به دعا گویان نرسیده است و در این دو سال آنچه عرایض به خاک پای همایونی و اولیای دولت علیه معروض داشته‌ایم نتیجه به دست نیامده تا در این اوقات، سیدهاشم، خادم آستانه‌ی مبارکه فرمانی نشان داد که وجه مقررهی دعاگویان را به اشتباه کاری به اسم خود صادر نموده و دو دستگاه چهل چراغ جدید آورده و در جای دیگر معلق نموده و به دعاگویان هم در اول وهله اطلاع نداده، حال که دو سال گذشته چنین ادعا دارد. از آنجایی که هر مأموری که از جانب دولت علیه به هر نقطه که بوده باشد، در واقع او را نفس دولت می‌دانند، لذا بدین عرض حال مزاحمت دادیم که اولاً خلافی که در این مدت تولیت از دعاگویان سرزده چه بوده که از ید دعاگویان گرفته و به دیگری که از تبعه‌ی دولت جلیله است داده شده [است]. چنان که اراده‌ی سنی‌ی حضرت شاهانه چنین تعلق گرفته هر چه

آن خسرو کند، شیرین بود. ثانیاً آن‌که دعاگویان در این مدت دو ساله به قرض و فرض و پریشانی مصارف دو دستگاه را فراهم آورده و به اطمینان فرمان قاطع البرهان همایونی که در دست داریم روشن نموده‌ایم. در این مدت دو ساله هر یک دو یست و چهل تومان طلبکار می‌باشیم. استدعا از مراحم حضرت عالی داریم که تفصیل نظم فدویان را از خدمت اولیای دولت قوی شوکت مشروحاً بیان فرمایید که به خاک پای همایونی معروض دارند...<sup>۵۸</sup>

نویسندگان نامه‌ی بالا، علاوه بر نوشتن چنین نامه‌هایی به اشخاص دیگری هم‌چون صدر اعظم و محمد شرابیانی، اقدام به جمع‌آوری و تهیه‌ی استشهادنامه‌هایی کردند که در آن‌ها شهادت داده شده بود که چهل چراغ‌ها در طول چند سال گذشته، به طور منظم و مرتب روشن بوده است.<sup>۵۹</sup>

در صورتی که هیچ یک از مشکلات چهارگانه‌ی یاد شده و یا مشکلات دیگر در راه پرداخت وجوه روشنایی عتبات روی نمی‌داد و وجه روشنایی به صورت برات تجاری نزد سرپرست عتبات ارسال می‌شد، مبلغ دو عشر از آن به عنوان مالیات کسر می‌شد. از طرف دیگر، از آن‌جا که وجوه روشنایی بیش‌تر اوقات به صورت برات تجاری به عتبات ارسال می‌شد، مبلغی از آن به عنوان کسر برات کم می‌شد؛ حال آن‌که در صورت ارسال وجه نقد نیز به هنگام تبدیل پول ایرانی به لیره‌ی عثمانی، مبلغ دیگری از میزان وجه ارسال شده کم می‌شد. توجه به نامه‌ی شماره‌ی ۵۷۷۷۷ مورخ ۲۵ شعبان ۱۳۱۸ وزارت خارجه به فاضل شرابیانی، موضوع را روشن‌تر می‌کند:

در باب کسر برات وجوه روشنایی و کسر حقوق تولیت جناب حاجی آقا شرحی که مرقوم فرموده بودند زیارت شد... کسر برات کلیه‌ی روشنایی از بابت صرف برات نیست؛ زیرا صرف برات را بنده در این‌جا داده بودم و این تفاوت از بابت قسمت لیره

است و اگر ضروری داشته باشد عاید متولیان است که لیره دریافت نموده‌اند و الا آنچه از دولت طلب داشتند، بدون کسر و نقصان، همان بود که برات شد و آنچه هم که از برات جناب حاجی آقا کسر است تومان دو هزاری است که جناب مستطاب آقا سیدمهدی جهان شاهی سلمة الله از کلیه‌ی وجوه روشنایی برده و فرمان همایون در برقراری آن صادر شده است...<sup>۶۰</sup>

البته صرف روشنایی تنها منبع درآمد چراغچیان نبود و آنان در کنار کار تولیدی چهل چراغ، کارهای دیگری نیز برای کسب درآمد و گذران زندگی انجام می‌دادند. یکی از این کارها، برگزاری مراسم تعزیه‌داری دولتی در ایام خاص و از جمله ایام محرم بود. آنان در ازای این خدمت، مبلغی را که بدان وجه تعزیه‌داری دولتی گفته می‌شد، از دولت ایران مطالبه می‌کردند.<sup>۶۱</sup>

از آن جا که کارهای متعددی در مراقد امامان معصوم علیهم‌السلام وجود داشت، چراغچیان تنها به داشتن منصب چراغچی‌باشی اکتفا نکرده، مشاغل دیگری را نیز به عهده می‌گرفتند و از این راه درآمد کسب می‌نمودند. از جمله‌ی این مشاغل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سقایی،<sup>۶۲</sup> کلیدداری، زیارت‌نامه‌خوانی، کفش‌داری، قرائت قرآن، دربانی، فرّاشی، مؤدّنی،<sup>۶۳</sup> قاپوچی‌باشی، سرکشیکچی،<sup>۶۴</sup> روضه‌خوانی<sup>۶۵</sup> و... در میان چراغچیان، برخی مورد التفات و محبت صاحب‌منصبان دولتی و یا نماینده‌ی دولت در عتبات قرار می‌گرفتند. این‌که این محبت بر اساس لیاقت و استحقاق چراغچی شامل حال وی می‌شد یا بر اساس مسائل پشت پرده! به درستی روشن نیست. به هر حال سرپرست عتبات یا کارپرداز ایران در بغداد و یا مأمور ویژه‌ی شاه ایران، نامه‌ای به وزارت خارجه می‌نگاشت و پس از تعریف و تمجید از چراغچی مورد نظر، برای وی درخواست اضافه‌وجه می‌کرد؛ به عنوان مثال، فاضل شرایبانی طی نامه‌ای به وزارت خارجه نوشت:

... چهل چراغ شاه شهید مرحوم - عطرالله مضجعه - که در رواق حضرت ابی‌الائمہ امیرالمؤمنین - علیه‌الصلوة و السلام - معلق است و تولیت آن با جناب حاجی نجفقلی میرزا است، از همه‌ی چراغات با نظم‌تر و همیشه روشن است و احقر هر شب که شرفیاب حرم مطهر می‌شوم، مخصوصاً نگاه می‌کنم، ولی وجه روشنائی آن یکصد و هشتاد تومان است. سنوات ماضیه علی‌الرسم دو عشر وضع شده یکصد و چهل و چهار تومان به جناب مشارالیه می‌رسیده. احقر به ملاحظه‌ی این که چراغش همیشه روشن و وجه آن از سایر چهل چراغ‌ها خیلی کم است، سنه‌ی تخاقوئیل وجه آن را علی‌الاستحقاق تمام دادم و دو سه دفعه خدمت جناب عالی کتباً و تحریراً زحمت دادم که وجه چهل چراغ حاجی نجفقلی میرزا را علی‌الاستحقاق تمام مرحمت کنید... گوارا نیست که بعضی‌ها چهار سیصد ببرند و این شخص عزیز با این خدمت نمایان صد و هشتاد ببرد، آن هم بعد از وضع دو عشر. تکلیف احقر بود عرض نمود.<sup>۶۶</sup>

وزیر امور خارجه نیز پس از دریافت این نامه، عین نامه را برای دیدن مظفرالدین شاه نزد وی فرستاد و موافقت خود را با درخواست شرابیانی به اطلاع شاه رساند و درخواست کرد «سنوات آتیه هم یکصد و هشتاد تومان تمام مرحمت شود»<sup>۶۷</sup> ولی مظفرالدین شاه با این امر مخالفت ورزید و در حاشیه‌ی نامه‌ی مذکور نوشت: «جناب اشرف اتابک اعظم؛ صرف روشنائی محل موجب و مستمری نمی‌شود».<sup>۶۸</sup> مظفرالدین شاه تنها با پیشنهاد تعویض چهل چراغ اهدایی ناصرالدین شاه که کهنه شده و لاله‌ها و آویزهای آن شکسته بود، موافقت نمود و نوشت: «اما در باب تجدید چهل چراغ، چه عیب دارد، تجدید کنند».<sup>۶۹</sup> لذا یکصد تومان برات برای تعویض چهل چراغ کهنه و خرید چهل چراغ جدید اختصاص یافت.<sup>۷۰</sup>

البته دقت و سخت‌گیری در پرداخت وجه روشنائی، همیشه وجود نداشت و گاهی مبالغی به عنوان وجه روشنائی به برخی اشخاص پرداخت می‌شد بدون آن که چراغی روشن شده



باشد. نامه‌ی میرزا محمودخان، کارپرداز ایران در بغداد به وزارت خارجه به چنین مسأله‌ای اشاره دارد:

... در خصوص روشنائی بقعه‌ی طفلان مسلم امر و مقرر فرموده‌اند که فدوی رسیدگی نماید که حالا امر روشنائی باکیست و یکصد تومان که از دیوان همایون برای مصارف روشنائی مرحمت می‌شود به مصرف روشنائی می‌رسد یا خیر و صلاحیت عالی جناب شیخ حسن را برای این خدمت به عرض مبارک عالی برساند. چاکر پس از زیارت تعلیقه‌ی مبارکه در بغداد و کاظمین تحقیقات لازمه نموده و معلوم نشد که امر روشنائی آنجا به کسی محول شده باشد و این یکصد تومان هم که از دیوان اعلیٰ مرحمت می‌شود، معلوم نیست کی می‌گیرد و به چه مصرف می‌رسد. آنچه محقق است این است که بقعه‌ی متبرکه‌ی طفلان مسلم، سال‌هاست ابداً روشنائی ندارد. عالیجاه شیخ حسن پسر جناب حاجی شیخ علی که به دارالخلافه آمده است، فدوی خود او را ندیده و معرفتی به حال او ندارد. جناب حاجی شیخ علی، پدر مشارالیه که از اخیار و محترمین و متدینین اند؛ البته عالیجاه شیخ حسن هم به پدر خود اقتدا کرده است. برای معلوم کردن این که سابقاً امر روشنائی آنجا اسماً باکی بوده است، به نواب کربلای معلی و مسیب نوشت که تحقیقات لازمه نموده اطلاع بدهد... به اعتقاد چاکر اگر وجه روشنائی به مصرف تعمیر بقعه‌ی متبرکه برسد که اسباب استحکام و بقای آن مکان شریف باشد اولی

۷۱  
است...

## پی نوشت‌ها:

۱. این موارد از بین اطلاعات چندین کتاب استخراج شده است. برای اطلاع و آگاهی بیش تر ر.ک: جعفر خلیلی، موسوعة العتبات المقدسه؛ محمد جعفر بن محمد نقدی، تاریخ الامامین الكاظمین...؛ عباس عزاوی، تاریخ العراق بین احتلالین؛ احسان الله علی استخری، قدم صدق؛ علیرضا عضدالملک، سفرنامه‌ی عضدالملک به عتبات؛ ابوالحسن خان فخر الملک (اردلان)، از حریم تا حرم؛ ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه‌ی عتبات ناصرالدین شاه قاجار؛ ابن حوقل، صورة الارض؛ سید ابن طاووس، فرحة الغری؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم؛ رسول کرکوکلی، دوحسة الوزراء؛ حسین ابن احمد البراقی، تاریخ الکوفه؛ میرزا محمد مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، جعفر محبوبه، ماضی النجف و حاضرها.
۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۴۵؛ سید ابن طاووس، فرحة الغری، ص ۱۱۰، جعفر خلیلی، موسوعة العتبات المقدسه (المدخل) ص ۹۴.
۳. ابن حوقل، صورة الارض، ص ۲۴۰.
۴. شیخ محمد السماوی، و شایح السراء فی شأن سامراء، ص ۲۸-۲۹.
۵. همان جا.
۶. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۱۴۸؛ سید ابن طاووس، همان جا؛ جعفر خلیلی، همان جا و ص ۱۴۷.
۷. محمد جعفر ابن محمد نقدی، تاریخ الامامین الكاظمین...، ج ۱، ص ۱۶۴.
۸. ابن جوزی، ج ۹، ص ۲۹-۳۰؛ محمد جعفر ابن محمد نقدی، همان، ص ۶۲؛ جعفر خلیلی، همان (قسم الكاظمین) ج ۱، ص ۱۶۵-۱۶۶؛ احسان الله علی استخری، قدم صدق، از دل‌های ایرانیان مسلمان تا عتبات ائمه دین (ع) در عراق، ص ۵۸.
۹. سید ابن طاووس، همان، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ عباس عزاوی، تاریخ العراق بین احتلالین، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۳۱۰؛ جعفر خلیلی، همان (قسم النجف) ج ۱، ص ۱۵۵.
۱۰. عباس عزاوی، همان، ج ۳، ص ۳۳۷ و ۳۴۱.
۱۱. جعفر محبوبه، همان، ج ۱، ص ۱۹۲.
۱۲. جعفر خلیلی، همان (قسم الکریلا) ج ۱، ص ۲۶۶، ۲۶۸.
۱۳. رسول کرکوکلی، دوحسة الوزراء، ص ۴۶ و ۵۱؛ عباس عزاوی، همان، ج ۵، ص ۲۶۲ و ۲۶۷؛ میرزا محمد مهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، ص ۳۹۵.

۱۴. همان‌جا.
۱۵. عباس عززوی، جهانگشای نادری، ج ۶ ص ۱۰۸.
۱۶. جعفر خلیلی، همان (قسم النجف)، ج ۱، ص ۱۸۵ و ۱۱۳.
۱۷. محمد جعفر بن محمد نقدی، همان، ص ۷۵-۷۶.
۱۸. جعفر خلیلی، همان، ج ۲، ص ۱۱۴ و ۱۵۹؛ شیخ محمد السماوی، همان، ص ۳۳ - ۳۴؛ ناصرالدین شاه قاجار، همان، ص ۱۱۵ - ۱۱۶ و ۱۵۸؛ علیرضا عضدالملک، سفرنامه عضدالملک به عتبات، بیشتر صفحات.
۱۹. اسناد وزارت امور خارجه ی ایران، دفتر مکمل، ش ۱۵۷.
۲۰. همان، ش ۴۳.
۲۱. علیرضا عضدالملک، همان، ص ۸.
۲۲. لتتر: چراغ پایه‌دار، فانوس، در فارسی چراغ نفتی بی پایه را می‌گویند که از سقف آویزان می‌کنند. فرهنگ عمید.
۲۳. همان، ص ۱۶۱.
۲۴. مشکوة یا مشکاة: منفذ و جایی که در آن چراغ بگذارند. فرهنگ عمید.
۲۵. همان، ص ۱۵۳ - ۱۵۴.
۲۶. عباس عززوی، همان، ج ۳، ص ۳۱۶ - ۳۱۷؛ جعفر خلیلی، همان (قسم الکربلا) ج ۱، ص ۱۰۹ - ۱۱۰؛ احسان‌الله علی استخری، همان، ص ۵۸.
۲۷. ناصرالدین شاه قاجار، همان، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.
۲۸. سفر ناصرالدین شاه به عتبات که اولین سفر خارجی وی بود، در روز بیستم جمادی الثانی سال ۱۳۷۸ آغاز شد و ۱۶۰ روز به طول انجامید. وی در این سفر، ۱۰ روز در کربلا، ۶ روز در نجف و یک روز در سامرا توقف کرد. ر.ک: ناصرالدین شاه قاجار، سفرنامه.
۲۹. همان، ص ۱۱۵ - ۱۱۶ و ۱۵۸.
۳۰. اسناد متعدد.
۳۱. اسناد وزارت امور خارجه ایران، اسناد قدیمه، سند ش ۱۷ - ۱۵ - ۵، ۱۳۱۸ قمری.
۳۲. همان، دفتر مکمل ۱۵۷، سند ش ۴۳۲.
۳۳. دفتر ۱۵۷، سند ش ۱۴۶.

۳۴. همان، سند ش ۴۳.
۳۵. همان، اسناد قدیمه، سند ش ۱۰۷-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۳۶. اصل: خواطر.
۳۷. همان، دفتر مکمل ۱۵۷، سند ش ۱۹۰.
۳۸. محمد فاضل شرایبانی (شربیبانی) صاحب مدرسه‌ی مشهور شربیبانی واقع در محله‌ی الحویس نجف. برای اطلاع بیشتر تر. ک: احسان الله علی استخری، ص ۳۴.
۳۹. همان، اسناد قدیمه سند ش ۱۰۷-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۰. همان، سند ش ۷۸-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۱. همان، دفتر مکمل ۱۵۷، سند ش ۱۴۸.
۴۲. همان، اسناد قدیمه، سند ش ۱۰۳-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۳. همان سند.
۴۴. همان، دفتر ۱۵۷، سند ش ۸۱.
۴۵. همان، سند ش ۱۱.
۴۶. همان، اسناد قدیمه، سند ش ۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری؛ سند ش ۷۴-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری؛ سند ش ۴-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۷. همان، سند ش ۳۸-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۸. همان، سند ش ۱۹-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۴۹. همان، سند ش ۱۲ و ۹-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۰. همان، سند ش ۳۰-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۱. همان، سند ش ۳-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۲. همان، سند ش ۱۳۴-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۳. همان، سند ش ۱۰-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۴. همان.
۵۵. همان، سند ش ۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۶. همان، اسنادش ۲۴ و ۳۵ و ۳۸ و ۴۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.

۵۷. همان، سند ش ۵-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۵۸. همان، دفتر مکمل ۱۵۷، سند ش ۳۵۳.
۵۹. همان، اسناد قدیمه، اسناد ش ۱۰۳ و ۱۳۱-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۰. همان، سند ش ۷۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۱. همان، سند ش ۲۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۲. عضدالملک، همان، ص ۱۵۹.
۶۳. همان، ص ۲۳۰-۲۳۱.
۶۴. ناصرالدین شاه قاجار، همان، ص ۱۰۶-۱۰۷.
۶۵. اسناد وزارت خارجه ی ایران، اسناد قدیمه، سند ش ۱۰۹-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۶. همان، سند ش ۴۳-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۷. همان، سند ش ۷۹-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۶۸. همان.
۶۹. همان.
۷۰. همان، سند ش ۸۲-۱۵-۵-۱۳۱۸ قمری.
۷۱. همان، دفتر مکمل ۱۵۷، سند ش ۷۴.

### منابع:

- محبوبه، جعفر، *ماضی النجف و حاضرهما* (بیروت، دارالاضواء، ۱۹۸۶).
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، *شرح النهج البلاغه* (بیروت، دارالفکر، بی تا).
- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ* (بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق).
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی التاریخ المملوک و الامم* (بیروت، دار صادر، ۱۹۷۸م).
- ابن حوقل، محمد بن علی، *صورة الارض* (تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵).
- ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد، *فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) فی النجف* (نجف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۶۸ق).
- استرآبادی، میرزا محمد مهدی خان، *جهانگشای نادری* (تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱).

- اسماوی، محمد، *عنوان الشرف فی وشی النجف* (نجف، مطبعه العزی، ۱۹۴۱).
- البراقی، حسین بن احمد، *تاریخ الکوفه* (نجف، مکتب الحیدریه، ۱۳۸۸ق).
- خلیلی، جعفر، *موسوعة العتبات المقدسه* (بغداد، دارالتعارف، بی تا).
- دیلمی، حسین بن محمد، *ارشاد القلوب* (تهران، مصطفوی، ۱۳۳۸).
- عزاوی، عباس، *تاریخ العراق بین احتلالین* (بغداد، مطبعه بغداد، ۱۹۵۵م).
- عضدالملک، علیرضا، *سفرنامه عضدالملک*، به کوشش حسن مرسلوند (تهران، مؤسسه ی پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰).
- علی استخری، احسان الله، *قدم صدق، از دلهای ایرانیان مسلمان تا عتبات ائمه دین (ع) در عراق* (تهران، اطلاعات، ۱۳۵۰).
- فخرالملک اردلان، ابوالحسن خان، *از حریم تا حرم، سفرنامه ابوالحسن خان فخرالملک اردلان به عتبات*، به کوشش محمدرضا عباسی (تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲).
- کرکوکلی، رسول، *دوحة الوزراء فی تاریخ وقایع بغداد الزوراء* (بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۶۳).
- ناصرالدین شاه قاجار، *سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه قاجار*، به کوشش ایرج افشار (تهران، فردوسی، ۱۳۶۳).
- \_\_\_\_\_، *شهریار جاده ها*، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی (تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲).
- نقدی، محمد جعفر بن محمد، *تاریخ الامامین الکاظمین علیهما السلام وروضتهما الشریف من یوم دفنهما الی زماننا الحاضر* (بغداد، دارالکتب العراقیة، المکتبة العلمیة، ۱۹۵۰ م / ۱۳۶۹ق).

### اسناد:

۱. اسناد وزارت امور خارجه ی ایران، اسناد قدیمه، پرونده ی ش ۵-۱۵-۱۳۱۸ قمری.
۲. اسناد وزارت امور خارجه ی ایران، دفاتر مکمل، دفتر مکمل ش ۱۵۷.